

دیه زن

آیت‌الله سید علی حسینی اشکوری

مدرس سطوح عالیہ حوزه و استاد دانشگاه

◆ چکیده:

یکی از موضوعاتی که اخیراً در سطوح مختلف جامعه محل ابهام و پرسشهای بسیار واقع شده، میزان دیه زنان در برابر دیه مردان است. این اختلاف در سطوح علمی حوزه نیز، موجبات بحثهای فنی و فقهی بیشماری را فراهم نموده است تا آنجا که یکی از مراجع، حکم به تساوی دیه زن و مرد نموده است. این مقاله به بررسی و تحلیل مبنای این نظریه فقهی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: دیه، دیه زن، قصاص نفس، روایات دیه، مقدس اردبیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از فضیلت‌های معاصر در پاسخ به سوالی در رابطه با دیه زن که پرسیده شده چرا دیه زن نصف دیه مرد است؟ فرموده است: پاسخ چرا دیه زن نصف دیه مرد است، به نظر اینجانب که قائل به برابری و مساوات دیه زن و مرد می‌باشم وجهی ندارد... فقیهی محقق و مدقق همانند مقدس اردبیلی قدس سره در حدود پانصد سال قبل تقریباً در نجف اشرف در کنار قبر باب‌العلم حضرت امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین در کتاب گرانقدر و سنگین و ارزشمند خود که به مجمع الفائده و البرهان نامگذاری شده اصل وجود روایت بر نصف بودن دیه را رد کرده و فرموده «فما اعرفه فکانه اجماع او نص ما اطلعت علیه». (ر.ک www.saane.org)

نکاتی که در این باره می‌توان گفت:

۱- استنباط احکام شرع باید بر اساس موازین صحیح و مقرر در باب خود صورت پذیرد آن موازینی که مورد قبول خود باب مدینه العلم امیر المؤمنین صلوات‌الله علیه و علی ابناؤه المعصومین است چه در جوار آن حضرت در کنار قبر مطهرش و یا در کعبه مشرفه استنباط شود و یا در اروپا و آفریقا و هر جای دیگر این جهان و در موردی که مطابق با آن موازین نباشد هیچگونه ارزشی نخواهد داشت.

۲- اگر فرضاً مرحوم مقدس اردبیلی به روایاتی که تصریح به آن دارد که دیه زن نصف دیه مرد است دست نیافته باشد آیا دلیل بر عدم صدور و وصول آن روایات است؟! در صورتی که بیش از ده روایت در این زمینه در جوامع روایی پیروان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام استخراج شده است و همچنین در جوامع روایی سایر مذاهب اسلامی.

۳- ادعای نبودن روایات در رابطه با دیه زن از ناحیه مقدس اردبیلی قدس سره بسیار جای تعجب است زیرا تمامی جوامع روایی ما روایات متعددی در این زمینه استخراج نموده‌اند. استغراب انکار وجود روایات بیش از استغراب مناقشه در دلالت و اسناد آنهاست زیرا استنباط متوقف بر فحص از دلیل در مظان آن است چگونه ممکن است فقیهی همچون مقدس اردبیلی بدون فحص مبادرت به استنباط نموده باشند.

۴- مرحوم مقدس اردبیلی این روایات را در ص ۴۷ ج ۱۴ مجمع الفائده و البرهان نقل کرده است و به آنها در باب قصاص تمسک نموده و از آنها به حسنه حلبی و صحیحه عبدالله بن مسکان و

صحیحہ عبد اللہ بن سنان باد کرده است چگونه ممکن است که بفرماید فما اعرفه فکانه اجماع او نص ما اطلعت علیه !!

۵- عبارتی که از مرحوم مقدس اردبیلی نقل شده است اصلاً در مورد بحث دیه مرد و زن نیست بلکه درباره دیه اطفال مسلمین است که دیه پسر نابالغ به مقدار دیه مرد مسلمان و دیه دختر نابالغ بمقدار دیه زن مسلمان است در این مورد است که مرحوم مقدس اردبیلی می‌فرماید فکانه اجماع او نص ما اطلعت علیه. و ظاهراً این گفتار صحیح است زیرا در خصوص مقدار دیه طفل چه دختر و چه پسر روایات به خصوصی نیست. مرحوم اردبیلی در مقام شرح کلام علامه در ارشاد الاذهان که فرمود: اما المسلم و من هو بحکمہ من الاطفال المولودین علی الفطره او الملتحق باسلام احد ابویه فان كان حرّاً ذکراً و كان القتل عمداً فدیة احدالسته الخ، مرحوم اردبیلی می‌فرماید: اما کون دیه الاطفال سواء ولد و حصل حال اسلام احد ابویه او اسلم احدهما قبل بلوغه فیلحق به مثل دیه الرجل المسلم و کونه دیه النساء نصف ذلك فما اعرفه، فکانه اجماع او نص ما اطلعت علیه. (ج ۱۴ مجمع الفوائد و البرهان ص ۳۱۳).

۶- خود مقدس اردبیلی در بحث دیه زن در ص ۳۲۲ در ج ۱۴ از کتاب مجمع الفوائد و البرهان در شرح عبارت علامه که فرمود: دیه الانثی نصف ذلك می‌فرماید قوله دیه الانثی الخ کان دلیله الاجماع و الاخبار و قد مرت فتذکر. و منظورشان از اخباری که در گذشته نقل کرده‌اند همان روایاتی است که در ص ۴۷ ج ۱۴ کتاب القصاص متعرض شده‌اند. ایشان در شرط پنجم از شرائط قصاص در شرح کلام علامه که فرمود: الخامس التساوی فی الحریه فلا یقتل حر بعبد ... و یقتل بمثله و بالحره مع رد فاضل دینه و الحره بمثلها و بالحر.

مرحوم اردبیلی می‌فرماید: قوله و یقتل بمثله الخ دلیل قتل الحر هو عموم آایه و الاخبار و کذا قتله بالحره اذا قتلها ولكن ترد ورثتها فصل دیه الحر عن دیه الحره الیه و هو نصف دیه کامله و هی دیه الحره فانها نصف الحر كما سیجی و یدل علیه الاعتبار و الاخبار الكثيره جدا مثل حسنه الحلبي ... و صحیحہ عبد اللہ بن مسکان و ... صحیحہ عبد اللہ بن سنان. (مجمع الفوائد و البرهان ج ۱۴ ص ۴۷).

۷- فرض می‌کنم که سخن مرحوم اردبیلی در مورد دیه اطفال مسلمین در ص ۳۱۳ ذواحتمالین باشد. آیا نباید مجموعه سخن یک گوینده را در نظر گرفت و رأی وی را از مجموعه سخنانش استخراج نمود؟ چگونه به کلام مبهمی که در مقام بیان مسئله دیگری گفته شده است تمسک می‌شود و سخن محکم و صریح وی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

نتیجه این گفتار این است که مرحوم مقدس اردبیلی هرگز نفرموده است که دیه زن برابر با دیه مرد است و هیچگونه تشکیکی در ادله تنصیف دیه زن ننموده است.

بلکه مرحوم مقدس اردبیلی در مواضع دیگری نیز تصریح فرموده‌اند که دیه زن نصف دیه مرد است از آن موارد در ص ۳۰۵ در رابطه با دیه اهل کتاب می‌فرماید: و ان كان انثى فنصف ديه الذکر كما فی نساء المسلمین و در ص ۳۲۷ در باره دیه جنین می‌فرماید: فقول المصنف وغيره ديه الجنین الحر المسلم مائه دينار اذا تم ولم تلج الروح ذكراً كان او انثى غير جيدٍ كان دليلهم الاطلاق بعض الروایات و ديه الجنین مائه دينار كما رأیته ولكن قد علمت مما ذكر فيها أن ديه الجنین المشبه بالذکر و الانثى نصف دیتهما ان لیس دیتهما واحده فیکون ديه الانثى نصف ديه الذکر ادا ولجته الروح ... اما اینکه تمسک شده است برای تساوی دیه زن و مرد به اطلاق دیه و عدم دلیل بر تقیید. اولاً کدام روایت در میان روایات وجود دارد که در صدد بیان حکم دیه باشد و اطلاق هم داشته باشد؟ ظاهراً چنین روایتی وجود ندارد چه قدر مناسب بود که مقصود خود را مشخص می‌نمودید.

و ظاهراً از روایت حلبی عن ابی عبدالله علیه السلام الدیه عشره آلاف درهم و روایت جمیل قال أبو عبدالله علیه السلام الدیه مائه من الأبل و روایت العلاء بن الفضیل عن أبی عبدالله علیه السلام قال: فی قتل الخطاء مائه من الابل و روایت معاویه بن وهب قال سألت أبا عبدالله علیه السلام فی ديه العمد فقال: مائه فحوله الابل - (وسائل ج ۲۹ ص ۱۹۸ ص ۲۰۰) استفاده اطلاق شده است.

ولی این روایات در صدد بیان حکم دیه نیستند بلکه در مقام بیان مقدار دیه هستند گذشته از آن در بعضی از روایات قید ذکوریت آورده شده است مانند روایت أبی بصیر قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الدیه فقال: ديه المسلم عشره آلاف در هم و در روایت دیگر أبی بصیر قال: ديه الرجل مائه من الابل. (وسائل ج ۲۱ ص ۱۹۷ و ص ۱۹۴)

و بر فرض وجود اطلاق آن همه روایات که دلالت دارند بر اینکه دیه زن نصف دیه مرد است که از نظر سند معتبرند و مرحوم مقدس اردبیلی از آنها به صحیحه تعبیر نموده مقید اطلاق خواهد بود و جای تعجب است که گفته شده دلیل بر تقیید وجود ندارد.

اگر گفته شود که روایتی که دلالت دارد دیه زن نصف دیه مرد است از نظر سند مورد مناقشه است زیرا در سندش محمد بن عیسی بن عید قرار دارد - الکلینی عن علی بن ابراهیم عن محمد بن

عیسی عن یونس عن عبدالله بن مسکان عن ابي عبدالله عليه السلام في حديث قال: ديه المراه نصف ديه الرجل - (رسائل ج ۲۹ ص ۲۰۵)

جواب این اشکال این است:

اولاً: روایاتی که دلالت دارد بر اینکه دیه زن نصف دیه مرد است منحصر به این روایت نیست بیش از ده روایت است که در میان آنها روایات صحیحه و معتبره وجود ندارد.

ثانیاً: بزرگان اهل فن اشکالی را که به محمد بن عیسی بن عبید وارد شده است و هم چنین بخصوص بروایاتش از یونس را نپذیرفته‌اند و لذا مقدس اردبیلی هم از آن به صحیحه عبدالله بن مسکان یاد کرده است.

اگر گفته شود که روایاتی که دلالت بر تنصیف دیه زن دارد قابل تمسک نیستند زیرا معارض با قرآن هستند زیرا در قرآن آمده است النفس بالنفس جواب این است:

اولاً: این آیه در مورد قصاص است.

ثانیاً: این آیه در مقام اصل تشریح حکم است.

ثالثاً: آیه شریفه الحر بالحر و العبد والانی بالانی دلالت بر وجود خصوصیت فی الجمله در جنسیت را دارد.

رابعاً: علی فرض آن که آیه النفس بالنفس شامل دیه هم باشد اطلاقش بوسیله روایات تنصیف دیه تقیید می‌خورد.

چنانچه نسبت به پدر از ناحیه قصاص تخصیص خورده است و نسبت به کافر از ناحیه قصاص و دیه تخصیص خورده است و نسبت به مجنون از ناحیه قصاص تخصیص خورده است.

اگر گفته شود که روایات تنصیف دیه قابل تصدیق نیستند زیرا مخالف با قرآن و سنت قطعیه هستند زیرا قرآن و سنت به عدالت حکم می‌کنند زن و مرد هر دو انسان هستند و نمی‌شود خونهای یکی نصف دیگری باشد.

جواب این است:

اولاً: نقض می‌گردد به خونهای غیر مسلمان، و در غیر باب قصاص و دیه نقض می‌گردد به میراث زن و مرد و به عده وفات برای زن و به تعدد زوجات و به اختیار طلاق برای مرد و ...

ثانیاً: مگر ما به علل و مصالح احکام شرع آگاهی داریم تا بتوانیم بگوییم کدام حکم عادلانه است و کدام یک ظالمانه چنانچه حضرتعالی به آن اذعان دارید دستیابی به ملاکات احکام و علل آن جز از طریق شرع و خطابات شرعیه میسر نیست.

ثالثاً: علت نکوهش قیاس و رأی و استحسان همین است که دین خدا را با فکر و اندیشه محدود بشری پایه‌ریزی می‌کند.

رابعاً: جای این سؤال وجود دارد که با این دیدگاه که تفاوت میان دیه زن و مرد عادلانه نیست این آیه شریفه که می‌فرماید: «ولهن مثل ما علیهن و للرجال علیهن درجه» (سوره بقره آیه ۲۲۸) را چگونه باید تفسیر نمود.

جالب توجه است که مرحوم مقدس اردبیلی پس از نقل روایت ابان بن تغلب که در رابطه با دیه اعضا وارد شده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مهلاً یا ابان هذا حکم رسول الله صلی الله علیه وآله ان المرأة تعاقل الرجل الی ثلث الدیه فاذا بلغت الثلث رجعت الی النصف یا ابان انک اخذتني بالقیاس و السنه اذا قیست محق الدین.

سپس مرحوم اردبیلی می‌فرماید: و فیها بطلان القیاس بل یشکل امر مفهوم الموافقه، فان العقل یجد بحسب الظاهر أنه إذا كان ثلاثون لازماً فی الثلاث، فیکون لازماً فی الأربع بالطریق الأولى، فعمل انه لا ینبغی الجرأه فیہ ایضاً، اذ قد ینخفی المحکمه و لهذا اشترطوا العلم بالعله فی اصل المفهوم و وجودها فی الفرع. (مجمع‌الفائده والبرهان ج ۱۴ ص ۴۶۹) و مقتضای صناعت در صورت شک هم تصنیف دیه زن است زیرا از موارد اقل و اکثر استقلالی است. در هر صورت ظاهراً فتوی به تساوی دیه زن و مرد بر حسب موازین استنباط احکام، فاقد وجاهت است.

کتابشناسی:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- الاردبیلی، احمد بن محمد، مجمع‌الفائده والبرهان
- ۳- العاملی، الشیخ الحر، وسایل الشیعه.
- ۴- سایت اینترنتی، www.saane.org